

بررسی حجیت خبر واحد در تفسیر

احمد رضوی*

چکیده

آنچه در علوم حدیث، درباره تقسیمات روایات گفته می‌شود، این است که برخی از روایات آن قدر از طریق راویان متعدد نقل شده که به حد تواتر رسیده و حجیت این گونه روایات، محل اتفاق همه دانشمندان اسلامی است؛ لیکن آنچه جای بحث و بررسی دارد، روایاتی است که به حد تواتر نمی‌رسند و اصطلاحاً خبر واحد گفته می‌شود. شیخ طوسی، علامه نائینی و آقا ضیاء عراقی معتقدند، حجیت خبر واحد اختصاص نوعی تعبد است که اختصاص به مقام عمل دارد و در امور معرفتی جای تعبد نیست. در دوران معاصر علامه طباطبائی رحمته الله علیه طلایه‌دار این دیدگاه است. در مقابل، آیت‌الله خویی رحمته الله علیه، آیت‌الله فاضل لنکرانی و آیت‌الله معرفت با استناد به اطلاق ادله حجیت خبر واحد معتقد به حجیت خبر واحد در غیر فقه می‌باشند.

واژگان کلیدی: خبر واحد، اخبار، روایات تفسیری، حجیت.

*. کارشناسی ارشد تفسیر و علوم قرآن و عضو شورای مدیریت انجمن تفسیر و علوم قرآن جامعه

المصطفی رحمته الله علیه العالمیه واحد مشهد مقدس، Email: a.razavi1386@gmail.com

اصل بحث از حجیت خبر واحد قدمتی هزار ساله و بیشتر دارد و همه دانشمندان، جز عده‌ای چون سید مرتضی و ابن ادریس، حجیت آن را پذیرفته‌اند؛ اما اینکه دیدگاه تفصیل در حجیت خبر واحد بین روایات فقهی و غیر فقهی چه زمانی مطرح شد، به نظر می‌رسد نخستین بار علامه طباطبایی بحث را به‌طور جدی مطرح کرده و در چندین جای المیزان بر حجیت نبودن خبر واحد در غیر احکام عملی تصریح نموده است. (طباطبایی، المیزان، ج ۱۰، ص ۳۵۱ و ج ۳، ص ۳۷۸ ذیل آیه ۱۵۹ بقره و ج ۳، ص ۱۸۴ - ۱۸۵، آیه ۳۷ آل عمران و ج ۱۴، ص ۲۰۵؛ طباطبایی، القرآن فی الإسلام، ص ۷۴).

حضرات آیات خویی، لنکرانی و استاد معرفت دیدگاه علامه را نقد کرده و شمول ادله حجیت خبر واحد را اعم از حوزه فقه دانسته‌اند. پژوهش‌گران معاصر نیز در لابه‌لای کتب یا مقالات این بحث را مطرح کرده‌اند.

منابعی که تاکنون بحث حجیت خبر واحد در تفسیر را مطرح کرده و نگارنده به آنها دسترسی پیدا کرده است عبارت‌اند از:

۱. البیان، حضرت آیت‌الله العظمی خویی، ص ۳۹۸ و ۳۹۹؛
۲. مدخل التفسیر، آیت‌الله فاضل لنکرانی، ص ۱۷۳ تا ۱۷۶؛
۳. تفسیر تسنیم، آیت‌الله جوادی آملی، ج ۱، ص ۱۵۶ تا ۱۵۹؛
۴. التفسیر الاثری الجامع، آیت‌الله معرفت، ج ۱، ص ۱۲۱ تا ۱۲۸ تحت عنوان «موضع الحدیث من التفسیر»؛

۵. التفسیر و المفسرون فی ثوبه القشيب، آیت‌الله معرفت، ج ۲، ص ۵۵۱ به بعد؛

۶. رابطه متقابل کتاب و سنت، علی احمد نصیری، ص ۱۷۴ به بعد؛

۷. اعتبار و کاربرد روایات تفسیری، علی احمد ناصح؛

۸. منطق تفسیر قرآن ۲، محمدعلی رضایی اصفهانی، ص ۱۱۹ تا ۱۲۷؛

۹. روش‌شناسی تفسیر قرآن، علی‌اکبر بابایی و دیگران، ص ۲۲۳ تا ۲۲۶؛

۱۰. «کاربرد حدیث در تفسیر و معارف» اثر صادق لاریجانی، مجله تخصصی دانشگاه علوم اسلامی رضوی، شماره ۴ و ۵، پاییز سال ۱۳۸۰؛

۱۱. «دامنه حجیت احادیث تفسیری» اثر محمد احسانی فر لنگرودی، فصلنامه علوم حدیث، ش ۴۸، تابستان ۱۳۸۷؛

۱۲. «حجیت خبر واحد تفسیری از دیدگاه آیت‌الله معرفت» نوشته علی احمد ناصح، فصلنامه معرفت علوم قرآنی، شماره ۴، پاییز ۱۳۸۷؛

۱۳. «حجیت خبر واحد در تفسیر با تکیه بر آرای آیت‌الله معرفت» سید محمدعلی ایازی فصلنامه معرفت قرآنی، ش ۴، پاییز ۱۳۸۷؛

۱۴. «روایات تفسیری شیعه گونه شناسی و حجیت» مهدی مهریزی، مجله علوم حدیث، ش ۵۵، سال پانزدهم، بهار ۱۳۸۹. در این میان دکتر علی نصیری مفصل‌تر از همه آثار یاد شده به بحث و بررسی پرداخته است.

اعتبار و حجیت مجموعه روایات غیر فقهی از جمله روایاتی که به احادیث تفسیری معروف‌اند، از گذشته مورد گفتگو میان دانشمندان اسلامی قرار گرفته است و در این باره دیدگاه واحدی - که مورد پذیرش همگان باشد - وجود نداشته است.

بحث حجیت و عدم حجیت روایات غیر فقهی از جمله روایات تفسیری عمدتاً در آثار دانشمندان شیعه مطرح شده است و دانشمندان اهل سنت کمتر به آن پرداخته‌اند؛ زیرا آنان میان روایات فقهی و غیر فقهی فرق نهاده‌اند و کسانی از اهل سنت که حجیت خبر واحد را پذیرفته‌اند، حجیت آن را در باب تفسیر نیز قبول دارند.

علامه طباطبایی؛ در این باره می‌گوید:

«اهل سنت نوعاً به خبر واحد - که در اصطلاح صحیح نامیده می‌شود - به طور مطلق عمل می‌کنند و در میان شیعه آنچه اکنون در علم اصول تقریباً مسلم است، این است که خبر واحد موثوق الصدور در احکام شرعی حجت است و در غیر آنها اعتبار ندارد» (طباطبایی، قرآن در اسلام، ص ۷۰).

قطع نظر از نسبتی که به کسانی مانند شیخ مفید، سید مرتضی، ابن ادریس، قاضی ابن براج و طبرسی مبنی بر عدم حجیت خبر واحد به طور مطلق اعم از فقه و غیر فقه داده شده

است، (بروجردی، نه‌ایة الافکار، ج ۱، ص ۱۰۲؛ سید مرتضی، الذریعة إلى أصول الشريعة، ج ۱، ص ۳۱، ج ۲، ص ۵۵۴) بیشتر فقهاء و اصولیین، اصل حجیت خبر واحد را پذیرفته‌اند. بنابراین، حجیت یا عدم حجیت احادیث تفسیری، فرع بر پذیرش حجیت خبر واحد بوده و بعد از پذیرش آن، نوبت به طرح حجیت یا عدم حجیت روایات تفسیری می‌رسد. در نتیجه بسیار طبیعی خواهد بود که اعتبار یا عدم اعتبار این گونه احادیث، فقط در محدوده نظریات کسانی بررسی شود که اصل حجیت خبر واحد را با قطع نظر از اختلافات در جزئیات آن پذیرفته‌اند. از سخنان کسانی که اصل حجیت خبر واحد را پذیرفته‌اند، به دست می‌آید که عمدتاً دو دیدگاه در زمینه روایات غیر فقهی - از جمله احادیث تفسیری - وجود دارد.

فصل اول: بیان دیدگاه‌ها درباره حجیت روایات غیر فقهی

اینک با دو دیدگاه - هم قائلان و هم دلائیشان - آشنا می‌شویم:

مبحث اول: دیدگاه اول - حجیت روایات غیر فقهی

گفتار اول: آیت الله فاضل لنکرانی

(۱) از جمله کسانی که به طور قطع، حجیت خبر واحد در باب تفسیر را مطلقاً پذیرفته است، آیت الله فاضل لنکرانی در اثر قرآنی خویش «مدخل التفسیر» است. ایشان می‌گوید: «حقیقت این است که فرقی نیست بین حجیت و اعتبار خبر واحد در آنجا که مربوط به احکام عملی باشد یا آنجا که مربوط به تفسیر آیه‌ای باشد که به احکام عملی مربوط نیست». بعد از مباحثی پیرامون این موضوع، چنین می‌نویسند: «در هر صورت، ملاک و مستند حجیت، چه بنای عقلاً یا ادله شرعی تبعیدی باشد، راهی جز پذیرش حجیت خبر واحد به طور مطلق - که شامل تفسیر هم بشود - وجود ندارد؛ چون: اگر مدرک حجیت را بنای عقلاً گرفتیم، با ملاحظه اینکه عقلاً اعتمادشان بر خبر واحد فقط در مواردی نبوده است که بر آن اثر عملی مترتب می‌شده و بین این گونه موارد و جایی که اثر عملی نداشته، فرق نمی‌نهادند و در همه موارد با آن همانند قطع عمل می‌نموده‌اند،



دیگر جایی برای منحصر نمودن حجیت خبر واحد در خصوص مواردی که دارای اثر عملی باشد، باقی نمی‌ماند و باید پذیرفت که روایات در باب تفسیر به‌طور مطلق؛ یعنی بدون توجه به اینکه مربوط به آیات احکام باشد یا غیر احکام، از اعتبار و حجیت برخوردارند و...

اگر مستند و مدرک حجیت خبر واحد را ادله شرعی تبعیدی (آیات و روایات) دانستیم، باز می‌گوییم: ظاهر این ادله، عدم اختصاص به مواردی است که اثر عملی داشته باشد؛ چون در هیچ‌یک از ادله موردنظر، سخن از حجیت به میان نیامده است تا با تفسیر آن به منجزیت و معذرت بتوانیم آن را به موارد تکلیف و عمل، اختصاص دهیم و مفهوم آیه (بنا بر فرض ثبوت مفهوم برای آن و دلالتش بر حجیت خبر واحد) این خواهد بود که اگر خبر دهنده عادل بود، استناد به او جایز است و تحقیق و تفحص برای پی بردن به صدق او لازم نیست و از این جهت فرقی نیست، بین آنجا که خبر او مربوط به اعمال و تکالیف باشد یا آنجا که اثری عملی بر آن مترتب نگردد» (فاضل لنکرانی، مدخل التفسیر، ص ۱۷۵ - ۱۷۴).

ایشان در پایان این بحث می‌گویند: «بنابراین، بدون هیچ اشکالی حجیت خبر واحد به‌طور مطلق در باب تفسیر مورد پذیرش است» (فاضل لنکرانی، مدخل التفسیر، ص ۱۷۵ - ۱۷۴).

گفتار دوم: آیت‌الله سبحانی

آیت‌الله جعفر سبحانی در کتاب «کلیات فی علم الرجال» تحت عنوان «علم الرجال والاحادیث غیر الفقهیه» چنین آورده است:

«مراجعه به علم رجال اختصاص به مورد روایات فقهی ندارد. بنابراین، همان‌گونه که فقیه برای شناخت و تمیز دادن روایات صحیح از روایات غیر معتبر چاره‌ای جز مراجعه به علم رجال ندارد، محدث و مورخ اسلامی نیز واجب است که در قضایای تاریخی و حوادث دردناک و یا مسرت‌بخش به این علم مراجعه نماید» (سبحانی، کلیات فی علم الرجال، ص ۴۹۰).

گفتار سوم: آیت‌الله خویی

تمام کلام آیت‌الله خویی رحمته‌الله‌علیه در این باب چنین است:

«بدون شبهه خبر واحد موثق - که شرایط حجیت و اعتبار را داراست - در تفسیر قرآن نیز حجیت دارد و می‌توان قرآن را با این‌گونه اخبار و روایات، تفسیر نمود ولی برخی در این مورد اشکالی دارند که توضیح آن به این قرار است که:

معنای اعتبار و حجیتی که برای خبر واحد و یا دلائل ظنی دیگر ثابت شده است، این است که در صورت عدم اطلاع از واقعیت می‌توان خبر واحد یا دلیل ظنی را طریقی برای یافتن آن قرارداد و از آنها پیروی نمود. درست همان‌گونه که در صورت شناختن قطعی واقعیت، از آن پیروی می‌شود و این‌گونه پیروی نمودن از روایت ظنی در صورتی صحیح است که مفهوم و مدلول آن، حکم شرعی باشد یا بر موضوعی دلالت کند که دارای اثر شرعی باشد؛ زیرا در احکام شرعی است که انسان در صورت عدم اطلاع از حکم واقعی، مکلف به ظاهر است و باید طبق آنچه از دلائل ظنی ظاهر می‌شود عمل کند.

این است معنا و شرط حجیت و اعتبار روایات ظنی ولی این شرط گاهی در روایاتی که از معصوم علیه السلام درباره تفسیر نقل گردیده است، وجود ندارد؛ چون روایات تفسیری غالباً مربوط به غیر احکام شرعی است؛ مانند روایاتی که در تفسیر آیات قصص و سرگذشت ملل و اقوام گذشته یا در تفسیر آیات اصول و عقاید و امثال آن آمده است.

پس دلائل حجیت و اعتبار خبر واحد نمی‌تواند شامل تمام اخبار تفسیری گردد و اعتبار همه آنها را تثبیت کند ولی این اشکال، به نظر ما سست و مخالف تحقیق است؛ زیرا در مباحث «علم اصول» ثابت گردیده است که معنای اعتبار علائم و امارات - که به‌طور ظنی و احتمالی، واقع را ارائه و نشان می‌دهد - این است که آن علائم شرعاً و طبق نظر شارع به جای دلائل علمی و یقین آور به کار می‌رود. ظن به واقع و واقع‌یابی احتمالی که از آنها استفاده می‌گردد، جانشین قطع و یقین است که از دلائل علمی به دست می‌آید.

بر این اساس، در هر موردی که از دلائل علمی پیروی می‌شود، از این‌گونه علائم و دلائل ظنی نیز - که شرعاً معتبر می‌باشند - می‌توان تبعیت کرد و خبر واحدی که معتبر است، شرعاً در تمام موارد به جای یک دلیل علمی می‌توان از آن استفاده نمود و از افراد آن است؛ منتهی یک فرد تعدی است، نه وجدانی.



دلیل ما بر آنچه گفتیم روش جاری و دائمی عقلا و خردمندان است؛ چون عقلا همیشه از علائم و دلائل ظنی معتبر - که «امارات» نامیده می‌شوند - پیروی می‌کنند؛ همان طور که از دلائل علمی و یقین آور پیروی می‌شود و عاقلان در ترتیب اثر دادن به دلائل معتبر، فرقی میان دلائل علمی و ظنی قائل نمی‌شوند. مثلاً در تصرف داشتن چیزی که آن را به اصطلاح «بد» می‌نامند، به ظاهر ید نشانه مالکیت متصرف است، بر آنچه در دست و در تصرف اوست. مردم با همان علامت و نشانه، او را رسماً مالک و صاحب آن چیز می‌شناسند و شارع هم مردم را از این روش همیشگی باز نداشته و آن را یک روش نادرستی معرفی نکرده است» (خویی، البیان فی تفسیر القرآن، ص ۳۹۸؛ سرور واعظ، مصباح الأصول، ص ۱۸۱ - ۱۸۰ و ص ۲۳۹).

گفتار چهارم: آیت الله معرفت

دیدگاه ایشان از جهتی با سایر قائلان به حجیت تفاوت دارد، ایشان می‌نویسند: «خلاصه استدلال علامه طباطبایی بر عدم اعتبار خبر واحد در کشف معانی قرآن، بر دو پایه است:

یکی آنکه اعتبار و حجیت خبر واحد، جنبه تعبدی دارد؛ یعنی دستور و قراردادی شرعی است نه ذاتی و این در مواردی امکان‌پذیر است که دارای اثر شرعی باشد و در مورد عمل مکلفین تنها در باب فقه وجود دارد.

دیگر آنکه خبر واحد، کاشفیت قطعی از واقع ندارد لذا نمی‌تواند نه کاشف بیان معصوم باشد و نه کاشف مراد واقعی آیه. به علاوه، مستفاد از روایات عرض، آن است که برای پی بردن به صحت مفاد خبر واحد، می‌توان از قرآن بهره گرفت. اکنون اگر برای بهره گرفتن از قرآن لازم باشد که از خبر واحد استفاده کنیم، دور پدید می‌آید.

ولی این استدلال، به نظر ناتمام می‌نماید؛ زیرا اعتبار خبر واحد ثقه، جنبه تعبدی ندارد؛ بلکه از دیدگاه عقلا جنبه کاشفیت ذاتی دارد که شرع نیز آن را پذیرفته است. بنای انسان‌ها بر آن است که بر اخبار کسی که ثقه است، ترتیب اثر دهند و همچون واقع معلوم با آن رفتار کنند و این نه قراردادی است و نه تعبد محض بلکه همان جنبه کاشفیت آن است که این خاصیت را به آن می‌بخشد. شارع مقدس - که خود سرآمد عقلاست - بر همین شیوه رفتار

کرده و خورده‌ای نگرفته است، جز در مواردی که خبر آورنده، انسان فاقد تعهد باشد که قابل اطمینان نیست و بدون تحقیق نبایستی به گفته او ترتیب اثر داده شود «إِنْ جَاءَكُمْ فَاسِقٌ بِنَبَأٍ فَتَبَيَّنُوا» (حجرات، ۶). از این رو، اعتبار خبر واحد ثقه، نه مخصوص فقه و احکام شرعی است و نه جنبه تعبدی دارد بلکه اعتبار آن، عام و در تمامی مواردی است که عقلاً از جمله شارع، کاربرد آن را پذیرفته‌اند. بر این اساس، اخبار عدل ثقه از بیان معصوم، چه درباره تفسیر قرآن و چه دیگر موارد، از اعتبار عقلایی مورد پذیرش شرع برخوردار است و کاشف و بیانگر بیان معصوم است و حجیت دارد و همانند آن است که شخصاً و مستقیماً از معصوم تلقی شده باشد» (معرفت، کاربرد حدیث در تفسیر، صص ۹-۷ <http://maarefquran.org>)).

مبحث دوم: دیدگاه دوم - عدم حجیت روایات غیر فقهی

برخی از دانشمندان و فقها فقط احادیثی را حجت می‌دانند که دارای اثر شرعی باشد؛ از این رو، حجیت احادیثی را که اثر شرعی نداشته باشد، از جمله احادیثی را که در تفسیر آیات غیر فقهی مورد استفاده قرار می‌گیرد، نپذیرفته‌اند.

گفتار اول: شیخ طوسی رحمته الله علیه

شیخ طوسی رحمته الله علیه از جمله اولین کسانی است که حجیت روایات را در تفسیر آیات قرآنی نپذیرفته است. وی می‌گوید: «سزاوار است به دلیل‌های صحیح عقلی یا شرعی مانند اجماع یا روایت متواتر کسانی که پیروی آنان واجب شده، رجوع شود و خبر واحد در این مورد (تفسیر) پذیرفتنی نیست؛ به خصوص در موردی که راه شناخت آن علم می‌باشد و هرگاه در تأویل آیه به شاهد لغوی نیاز باشد، تنها شاهی پذیرفته می‌شود که میان اهل لغت معروف باشد؛ اما طریق آحاد که قطع آور نیست، سزاوار نیست که بر کتاب خدا گواه گرفته شود بلکه در مورد آن شایسته است، توقف گردد» (طوسی، تهذیب الاحکام، ج ۱، ص ۷-۶).

گفتار دوم: مرحوم نائینی

ایشان نیز از جمله کسانی است که خبر واحد را در غیر مسائل فقهی حجت ندانسته و در نتیجه برای احادیث تفسیری ارزش و اعتباری قائل نیستند. ایشان چنین می‌گوید: «به درستی که خبر تنها آنگاه مشمول دلیل حجیت می‌باشد که دارای اثر شرعی باشد» (نائینی، أجود التقریرات، ج ۲، ص ۱۰۶).

گفتار سوم: آقا ضیاءالدین عراقی

وی نیز بر این باور است که ادله حجیت خبر واحد فقط به احکام شرعی اختصاص دارد و شامل غیر آن نمی‌گردد. ایشان به هنگام پاسخگویی به کسانی که با تمسک به ادله حجیت خبر واحد درصدد اثبات حجیت قول لغوی هستند، می‌گوید: «اختصاص ادله حجیت خبر واحد به احکام شرعی و عدم شمول آن نسبت به موضوعات خارجی حجیت قول لغوی را رد می‌کند» (بروجردی، نهاية الأفكار، ج ۳، ص ۹۴).

وی در بحث خبر با واسطه می‌گوید: «تعبد نسبت به گفته فرد عادل و وجوب تصدیق مضمون گفته او به جز ترتیب اثر دادن بر آثار شرعی خبر، معنایی ندارد؛ بنابراین، در صحت تعبد به یک خبر به ناچار می‌بایست خبر با قطع نظر از این حکم خودش دارای اثر شرعی باشد تا به لحاظ آن تصدیق گردد» (بروجردی، نهاية الأفكار، ص ۱۲۲).

گفتار چهارم: علامه طباطبایی

از جمله کسانی که در مواضع متعدد و به مناسبت‌های مختلف بر عدم حجیت احادیث غیر فقهی و از جمله روایات تفسیری اصرار دارد و این بحث را به‌طور نسبتاً مبسوطی مطرح نموده و بر آن استدلال کرده است، علامه طباطبایی رحمته الله علیه است. ایشان در کتاب «قرآن در اسلام» تحت عنوان روش شیعه در عمل به حدیث چنین آورده است:

«حدیثی که بدون واسطه از زبان خود پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله یا ائمه اهل بیت علیهم السلام شنیده شود، حکم قرآن کریم را دارد ولی حدیثی که با واسطه به دست ما می‌رسد، عمل شیعه در آن، به این ترتیب است که، در معارف اعتقادی - که به نص قرآن، علم و قطع لازم است -

به خبر متواتر یا خبری که شواهد قطعی به صحت آن در دست است، عمل می‌شود و به غیر این دو قسم که خبر واحد نامیده می‌شود، اعتباری نیست ولی در استنباط احکام شرعی، نظر به ادله اقامه شده، علاوه بر خبر متواتر و قطعی، به خبر واحد نیز - که نوعاً مورد وثوق باشد - عمل می‌شود، پس خبر متواتر و قطعی پیش شیعه مطلقاً حجت و لازم الإلتیاع است و خبر غیرقطعی (خبر واحد) به شرط اینکه مورد وثوق نوعی باشد تنها در احکام شرعی حجت می‌باشد» (طباطبایی، شیعه در اسلام، ص ۱۲۹؛ قرآن در اسلام، ص ۷۰).

همچنین ایشان در جای‌جای تفسیر المیزان همواره تأکید می‌ورزد که حجیت خبر واحد، مختص فقه است و در غیر فقه و از جمله تفسیر، روایات فاقد اعتبارند. از جمله پس از نقل سخنی که صاحب تفسیر المنار در ذیل حدیث منقول از تفسیر ثعلبی آورده، در نقد آن می‌گوید: «از بحث‌های پیشین ما دانسته شد که ما طبق میزان و معیار عام عقلایی - که بنای انسان در زندگی‌اش است - بر اخبار آحاد در غیر احکام فرعی تکیه نمی‌کنیم» (طباطبایی، المیزان، ج ۶، ص ۵۷).

و نیز در جای دیگر می‌نویسد: «آنچه امروز نظر اصولیون بر آن استقرار یافته، آن است که در حجیت اخبار، خبر متواتر یا خبر محفوف به قرائن قطعی، بدون شک و به‌طور مسلم حجیت دارد ولی خبر واحد جز در احکام شرعی فرعیه آنهم فقط درجایی که با ظن نوعی موثوق الصدور باشد، حجت نیست؛ چراکه حجیت شرعی از اعتبارات عقلایی و تابع وجود اثر شرعی است که قابل جعل و اعتبار شرعی می‌باشد اما در قضایای تاریخی و امور اعتقادی، جعل حجیت معنا ندارد؛ زیرا فاقد اثر شرعی است و این بی‌معناست که شارع غیر علم را علم قرار داده و مردم را به آن متعبد سازد» (طباطبایی، المیزان، ج ۱۰، ص ۳۵۱).

با توجه به آنچه در مقدمه المیزان آمده و همچنین آنچه ایشان در این زمینه بیان کرده‌اند، می‌توان گفت که از مهم‌ترین دلایل ایشان بر عدم اعتبار روایات تفسیری، در چهار مورد خلاصه می‌شود که عبارت است از:

الف- قرآن کریم برای تبیین و تفهیم مفاهیم و دلالت بر معانی خودش از هر چیز دیگر بی‌نیاز و مستقل است و مفهوم آیات آن برای تمامی آشنایان به لغت عرب روشن بوده و به تفهیم و تبیین نیازی ندارد و همه اختلافات مفسران در زمینه فهم و تلقی قرآن در عرصه

مصادیق است و نه مفاهیم؛ چراکه قرآن کریم کلام خداست و به حکم کلام بودن از مراد خویش پرده برمی‌دارد و قرینه خارجیه‌ای مبنی بر اینکه مراد تحت‌اللفظی آیات غیر از آن چیزی باشد که از ظاهر الفاظ عربی آن فهمیده می‌شود، وجود ندارد و نیز اینکه قرآن فصیح‌ترین نص است و لازمه این فصیح بودن، خلو آن از هرگونه تعقید و پیچیدگی و قابل فهم بودنش برای همه است و این قابل فهم بودن برای مخاطبین، لازمه صحت تحدی و نیز مصحح دعوت به تدبیر در آن می‌باشد (طباطبایی، المیزان، ج ۳، ص ۸۵).

ب- اگر برای بهره گرفتن از قرآن لازم باشد، از اخبار آحاد استفاده کنیم، لازمه‌اش دور باطل است؛ چون برای پی بردن به صحت مفاد خبر، باید به قرآن مراجعه شود و برای بهره بردن از قرآن نیز باید به سراغ خبر واحد رفت (طباطبایی، المیزان، ج ۱، ص ۹).

ج- خبر واحد کاشفیت قطعی از واقع ندارد لذا نمی‌تواند کاشف از بیان معصوم باشد و نه کاشف از مراد واقعی آیه.

د- اعتبار و حجیت خبر واحد جنبه تبعیدی دارد؛ یعنی دستوری و قرارداد شرعی است و این در مواردی امکان پذیر است که دارای اثر شرعی باشد و درباره عمل مکلفان قابل تصور است که تنها در باب فقه وجود دارد.

نتیجه

به نظر می‌رسد، دیدگاه اول - حجیت روایات غیر فقهی - مستحکم‌تر و مستدل‌تر باشد؛ زیرا تمام دلایل حجیت خبر واحد، شامل این دسته از روایات نیز می‌شود. پس اگر روایات تفسیری - که به عنوان خبر واحد است - محفوف به قرائن باشد، حجت است و باید طبق آنها قرآن کریم را تفسیر نمود.

- قرآن کریم.
- طبرسی، احمد بن علی، احتجاج، دارالنعمان، نجف اشرف، ۱۳۸۶ ق.
- برقی، احمد بن محمد، المحاسن، دارالکتب الاسلامیه، تهران، ۱۳۷۰ ق.
- نحاس، احمد بن محمد، معانی القرآن الکریم، تحقیق محمدعلی صابونی، سعودی: جامعه ام القرى، چاپ سوم، ۱۴۱۰ ق.
- عیاشی، ابونصر محمد بن مسعود، التفسیر، تحقیق مؤسسه البعثه، قم، قسم الدراسات الاسلامیه مؤسسه البعثه، ۱۴۲۱ ق.
- سبحانی، جعفر، کلیات فی علم الرجال، قم، مؤسسه امام الصادق علیه السلام، ۱۳۸۸ ش.
- سیوطی، جلال‌الدین، الدرالمشور، بیروت، دار المعرفه، ۱۴۰۴ ق.
- خوبی، سید ابوالقاسم، بیان فی تفسیر القرآن، بیروت، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، ۱۳۹۴ ق.
- طباطبایی، سید محمدحسین، المیزان فی تفسیر القرآن، قم، اسماعیلیان، ۱۳۹۰ ق.
- طباطبایی، سید محمدحسین، شیعه در اسلام، قم، نشر قدس رضوی، ۱۳۸۰ ش.
- طباطبایی، سید محمدحسین، قرآن در اسلام، قم، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۳۷۵ ش.
- واعظ، سید محمد سرور، مصباح الاصول، تقریرات بحث آیت‌الله خوبی، قم، منشورات مکتبه الداوری، ۱۴۰۹ ق.
- علم الهدی، سید مرتضی، الذریعه إلى اصول الشریعه، چ دوم، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۶۲ ش.
- حویزی، عبد علی بن جمعه عروسی، نورالثقلین، تحقیق سیدهاشم رسولی محلاتی، قم، دارالکتب اسلامیه، ۱۳۷۲ ش.
- فاضل لنکرانی، محمد، مدخل التفسیر، قم، مرکز النشر مکتب الاعلام الاسلامی، ۱۴۱۳ ق.

- مجلسی، محمدباقر، بحارالانوار، چاپ دوم، مؤسسه الوفاء، بیروت، ۱۴۰۳ ق.
- طوسی، محمد بن حسن، تهذیب الاحکام، دارالکتب الاسلامیه، تهران، ۱۳۶۵ ق.
- احسائی، محمد بن زین‌الدین ابن ابی‌جمهور، عوالی اللالی الغزیزیه فی الأحادیث الدینیّه، انتشارات سیدالشهدا، قم، چ اول، ۱۴۰۵ ق.
- صدوق، محمد بن علی بن بابویه، الخصال، تحقیق علی‌اکبر غفاری، جامعه مدرسین، قم، ۱۴۰۳ ق.
- صدوق، محمد بن علی بن بابویه، علل الشرایع، تحقیق محمدصادق بحرالعلوم، مکتبه الحیدریه، النجف، ۱۳۸۵ ق.
- کلینی، محمد بن یعقوب، کافی، تصحیح: علی‌اکبر غفاری، دارالکتب الإسلامیه، چ ششم، ۱۳۷۵ ش.
- بروجردی، محمدتقی، نهایت‌الافکار، قم، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۳۶۴ ش.
- نائینی، محمدحسین، أجود التقریرات، قم، مصطفوی، ۱۳۶۸ ش.

